



The Behavioral Methods of Family Education for Spouses from the Perspective of the Quran *

Najat Yaha-ov ¹

Abstract



The family is the smallest and most fundamental social unit, the well-being of which contributes to the well-being of society as a whole. Therefore, one of the important topics addressed in the Quran is family education. The aim of this research is to examine the perspective of the Quran and its interpretive narrations to find behavioral methods of family education in the relationship between husband and wife. Through these educational methods, spouses guide their family towards happiness and perfection, avoiding conflicts, deviations, and harms. The current research method is descriptive-analytical and based on content analysis. In its execution, principles, methods, and interdisciplinary thematic interpretation guidelines have been utilized. The research results indicate that behavioral methods of family education in the relationship between husband and wife, according to the Quran, can be divided into two categories: constructive methods (methods primarily used to establish or reinforce desirable and commendable qualities and behaviors) such as "exemplary/role-model method" and "commanding the good and forbidding evil", and corrective methods (methods used to eliminate or reduce undesirable behavior or traits, whether outwardly or inwardly) such as "tolerance method" and "deprivation method", extracted from the verses of the Quran.

Keywords: Quran, Educational Methods, Spouses (Husband and Wife), Family Education.

*. **Date of Receiving:** 05/07/2021, **Date of Approving:** 13/06/2022.

1. PhD, Al-Mustafa International University, Quran and Hadith Higher Education Institute: yahyanecat87@mail.ru.



روش‌های کنشی تربیت خانوادگی بین زن و شوهر از منظر قرآن *

نجات یحیی آف^۱



چکیده

خانواده کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین واحد اجتماعی است که سالم‌بودن آن سلامت جامعه را به ارمغان می‌آورد؛ لذا یکی از موضوعات مهمی که قرآن، کتاب تربیت به آن پرداخته، تربیت خانوادگی است. در این راستا هدف از این تحقیق بررسی دیدگاه قرآن و به تبع آن روایات تفسیری، جهت یافتن روش‌های کنشی تربیت خانوادگی در ارتباط زن و شوهر است. زن و شوهر با استفاده از این روش‌های تربیتی، خانواده را در مسیر سعادت و کمال حرکت داده، دچار اختلافات، انحرافات و آسیب‌ها نمی‌شوند. روش پژوهش حاضر، توصیفی - تحلیلی و براساس تحلیل محتواست. در اجرای آن از اصول، روش‌ها و دستورالعمل‌های تفسیر موضوعی با نگاه میان‌رشته‌ای استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که روش‌های تربیت خانوادگی در امر ارتباط زن و شوهر از منظر قرآن، در ساحت کنشی به دو دسته تقسیم می‌شود: روش‌های ایجاد (روش‌هایی که بیشتر برای ایجاد یا تثبیت یک خصلت و رفتار مطلوب و پسندیده به کار می‌رود)؛ مانند «روش الگویی» و «روش امر به معروف و نهی از منکر»، و روش‌های اصلاحی (روش‌هایی که در مورد حذف یا کاهش رفتار یا صفتی ناپسند (اعم از رفتار ظاهری یا باطنی) استفاده می‌شود؛ مانند «روش تغافل» و «روش محروم‌سازی» از آیات قرآن استخراج شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، روش‌های تربیت، بین زن و شوهر، تربیت خانوادگی.

*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۵ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۳/۲۳.

۱. دانش آموخته دکتری، از کشور آذربایجان، جامعة المصطفی ص العالمية، قم، ایران: yahyanecat87@mail.ru.



مقدمه

خانواده سنگ بنای جامعه انسانی و یکی از مهم‌ترین ارکان آن است. مسلماً چنین کانونی در سرنوشت جامعه نقش اساسی ایفا می‌کند؛ چون خانواده کانون رشد و پرورش انسان‌ها و جایگاه تأمین نیازهای مهم جسمی و روحی انسان است. زن و شوهر در این کانون تربیتی، نسبت به پرورش و رشد همه‌جانبه خودشان و نیز تربیت فرزندان، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار هستند؛ بنابراین تربیت یافتن زن و شوهر، زمینه تربیت فرزندان را فراهم می‌آورد؛ ولی متأسفانه این مسئله در منابع تربیتی با غفلت مواجه شده است و صاحب‌نظران این عرصه، بیشتر به چگونگی تربیت فرزندان از طرف والدین توجه کرده‌اند. قرآن کریم، آخرین کتاب آسمانی معتبر و متقن، قابلیت پاسخ‌گویی در همه زمینه‌های مربوط به هدایت و تربیت انسان را دارد. تربیت خانوادگی به‌طور عام و تربیت زن و شوهر به‌طور خاص، از آن موضوعات بااهمیتی است که قرآن کریم به آن توجه خاصی کرده است. بازشناسی و واکاوی مسائل مرتبط و لازم به زندگی فردی و اجتماعی بشر از قرآن که اصطلاحاً از آن به «تفسیر موضوعی» یا «استنباط قرآن» تعبیر می‌شود، برای معرفی جایگاه جهانی و جاودانگی قرآن و همچنین آشکار ساختن نقش تربیتی و هدایتی آن بسیار مؤثر و مفید است. افزون بر اینکه این نظریه‌پردازی قرآنی می‌تواند الگوی ارزشمندی درخصوص روش‌های تربیت خانوادگی در ارتباط زن و شوهر مبتنی بر یک منبع خطاناپذیر و جامع‌نگر ارائه کند.

مهم‌ترین مباحث این پژوهش عبارت است از: بررسی و تحلیل مفاهیمی مانند «روش»، «روش تربیتی»، «تربیت»، «خانواده» و «تربیت خانوادگی»؛ تحلیل و واکاوی روش‌های کنشی تربیت خانوادگی در امر ارتباط زن و شوهر از منظر قرآن کریم؛ تقسیم این روش‌ها به روش‌های ایجاد می‌مانند «روش الگویی» و «روش امر به معروف و نهی از منکر» و روش‌های اصلاحی همچون «روش تغافل» و «روش محروم‌سازی».

الف. بیان مسئله

خانواده، کوچک‌ترین و بنیادی‌ترین واحد اجتماعی در هر فرهنگ و جامعه، صرف‌نظر از انحرافات معنایی پدیدآمده در عصر جدید، به کانون و نهادی اطلاق می‌شود که حداقل یک مرد و یک زن، مطابق قوانین عرفی یا شرعی ازدواج، زندگی مشترک تشکیل بدهند. تأکید می‌شود اگرچه تربیت خانوادگی می‌تواند از طریق نوع تعاملات پدر و مادر نسبت به فرزندان، یا تعاملات فرزندان با پدر و مادر و یا تعاملات فرزندان با یکدیگر مطالعه شود؛ اما آنچه در این پژوهش مدنظر است صرفاً جنبه

تربیتی نوع تعامل زن و مرد با یکدیگر در مقام همسری است. به بیان دیگر پرسش این است که صرف چگونگی روابط و برخوردهای یک زوج زن و مرد با یکدیگر چه تأثیرات تربیتی بر خانواده آنها دارد. در مسیر کشف و بیان روش‌های تربیتی از نگاه قرآنی، تلاش می‌شود به روش‌های کنشی از منظر کلام وحی توجه شود. همچنین ممکن است برخی از روش‌های کنشی ایجاد شده باشد و برخی دیگر اصلاحی. این تحقیق درصدد است آیات قرآن و به تبع آن روایات تفسیری را با استفاده از تفاسیر شیعی و سنی، درخصوص موضوع روش‌های تربیت کنشی خانوادگی در امر ارتباط زن و شوهر، بررسی و تحلیل کند. و از این طریق رویکرد قرآنی در موضوع تربیت خانوادگی را با تأکید بر روش‌های تربیت خانوادگی زن و مرد نسبت به یکدیگر را اصطیاد کند.

ب. ضرورت تحقیق

موضوع خانواده و تعامل زن و مرد با یکدیگر در نهادهای خاص، یکی از مباحث بااهمیت و دیرینه‌ای است که از روز پیدایش بشر مورد توجه قرار گرفته است. نهاد خانواده را می‌توان موضوعی فراملی، فرادینی و فراویکردی برشمرد که حکایتی از یکی از نیازهای مهم انسانی و روابط بین انسان‌ها دارد؛ بنابراین به نظر می‌رسد در چارچوب ارزش‌های دینی و اسلامی و ضرورت توجه به داشتن خانواده‌های سالم و صالح، تبیین روش‌های تربیت خانوادگی از منظر قرآن کریم، برای جامعه بشری دینی و اسلامی بسیار حائز اهمیت باشد.

ج. هدف تحقیق

هدف این پژوهش، مبتنی بر ضرورت تربیت خانوادگی از طریق ارتباطات درون‌خانوادگی و تبیین نقش تربیتی تعاملات زن و مرد در تربیت خانوادگی است. بنابر روش این پژوهش، هدف مدنظر از طریق اصطیاد روش‌های تربیتی کنشی از آیات شریفه قرآن و احادیث مربوطه حاصل می‌شود.

د. پیشینه تحقیق

موضوع خانواده از گذشته دور مورد توجه اندیشمندان و مفسران بوده است و حتی در خصوص آثار تربیتی خانواده تحقیقاتی صورت گرفته است؛ اما شاید کمتر بتوان به آثار مستقلی در موضوع خاص تربیت خانوادگی دست یافت. از جمله انصاریان، حسین، «نظام خانواده در اسلام»؛ بهشتی، احمد، «خانواده در قرآن»؛ سالاری‌فر، محمدرضا، «خانواده در نگرش اسلام و روان‌شناسی»؛ بستان‌نجفی، حسین، «خانواده در اسلام». در این کتاب‌ها مسائل مختلف مربوط به موضوع خانواده از منظر اسلام بررسی شده است؛ اما به روش‌های تربیت خانوادگی درباره زن و شوهر اشاره‌ای نشده است. همچنین



پایان‌نامه‌های: فیاض حسین، «ویژگی‌های خانواده سالم در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن» پایان‌نامه دکتری، رشته قرآن و علوم تربیتی، المصطفی علیه السلام، سال ۱۳۹۷؛ فاطمه قتادان‌زاده، «روش‌های تربیت اخلاقی در خانواده از دیدگاه قرآن و روایات»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم انسانی، دانشگاه قرآن و حدیث، سال ۱۳۹۳. در هیچ‌کدام از این پایان‌نامه‌ها به روش‌های کنشی تربیت خانوادگی درباره زن و شوهر نپرداخته است. در مجموع و طبق بررسی‌های انجام‌شده می‌توان ادعا کرد که کار مستقلی در زمینه «روش‌های کنشی تربیت خانوادگی بین زن و شوهر از منظر قرآن» صورت نگرفته است. براین اساس، این مقاله درصدد است با توجه به اهمیت و کاربردی بودن موضوع در حد توان به تبیین و تحلیل روش‌های تربیت خانوادگی در امر ارتباط زن و شوهر از منظر قرآن در بُعد کنشی بپردازد.

هـ. روش تحقیق

روش این تحقیق به صورت توصیفی - تحلیلی و براساس تحلیل محتواست. از نگاه دیگر، این پژوهش یک پژوهش میان‌رشته‌ای است، چون از نوع تفسیر موضوعی (ر.ک: شهید صدر، المدرسه القرآنیة، ۱۴۲۴: ۲۳)، قرآن کریم با نگاه به دست‌آورد‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی هست و دربردارنده مباحث قرآن، علوم تربیتی و خانواده است.

و. جنبه نوآوری تحقیق

برخلاف برداشت اولیه که تربیت خانوادگی در قلمرو رابطه والدین به‌عنوان مربی و فرزندان به‌عنوان مربی محدود می‌شود، نحوه تعامل زن و شوهر با یکدیگر و اهتمام آن‌ها در تربیت یکدیگر می‌تواند در تربیت خانوادگی نقش مؤثری داشته باشد. تبیین این مسئله و دسترسی به روش‌های کنشی مربوط به آن از دیدگاه قرآن و احادیث، نوآوری این تحقیق قلمداد می‌شود.

ز. مفهوم‌شناسی

۱. روش

«روش» در لغت به معنای راه، سبک، شیوه، طریقه و فن (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۷: ۸/ ۱۲۳۷۸)، همچنین اسم مصدر به معنای درپیش گرفتن راهی برای رسیدن به هدف با نظم و توالی خاص است. در زبان عربی روش را «منهج» و روش‌شناسی را «منهجیه» می‌نامند. روش، معادل «متد» است که از واژه یونانی «متا» به معنای در طول و «اودوس» یعنی «راه» گرفته شده است (جزایری، روش‌شناسی تفسیر حقوقی قرآن، ۱۳۹۳: ۱۵).

روش‌ها در اصطلاح مکانیزم‌ها و شیوه‌های ایجاد یا تغییر رفتار و خصوصیات در متریابی اند. مراد از روش‌های تربیتی، شیوه‌ها و رفتارهایی است که مربی جهت تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی به کار می‌بندد. در حقیقت روش‌های تربیتی مظهر و نمود بارز کار تربیتی هستند و بخش اعظم موفقیت مربی و یک نظام تربیتی در گرو شیوه‌هایی است که او برای رسیدن به اهداف تربیتی به کار می‌بندد (حاجی‌ده آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ۱۳۷۷: ۱۲۹؛ بهشتی و دیگران، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ۱۳۸۱: ۲۶۵/۳).

بنابراین روش یک مفهوم راهبردی است که چگونگی عمل مربی بر متریابی را به تصویر می‌کشد تا پس از پشت سر گذاشتن مراحل لازم به هدف‌های از پیش تعیین شده نائل گردد. به تعبیر دیگر مکانیزم‌ها و روش‌های تربیتی، به منظور اصلاح و تغییر رفتار متریابی برای رسیدن به اهداف تربیتی در نظر گرفته شده‌اند.

۲. تربیت

واژه تربیت در زبان فارسی به معنای پروریدن یا پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۷: ۵/۶۶۰۱)، آمده است؛ ولی در زبان عربی مصدر باب «تفعیل» است و برای آن دو ریشه در نظر گرفته شده است. یکی «ربب» به معنای مالک شیئی، سرپرست، مربی و... (جوهری، الصحاح، ۱۴۳۰: ۱/۷۸؛ فراهیدی، العین، ۱۴۰۹: ۸/۲۵۶؛ زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۱۴۱۴: ۲/۴)؛ دیگری «ربو» به معنای زیادشدن و رشدکردن است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۱۴/۳۰۴).

به نظر می‌رسد واژه تربیت اگر از «ربو» باشد، معنای رشد، بالابودن و غذادادن در آن نهفته است و بیشتر ناظر به پرورش جسمی و مادی است؛ ولی اگر از «ربب» باشد به معنای ایجاد تدریجی یک چیز و به کمال رساندن و سرپرستی آن است و بیشتر ناظر به پرورش بُعد معنوی است. با این توضیح واژه تربیت رشد، نمو، تدریجی‌بودن و شکوفاساختن را می‌رساند (ر.ک: رحیمی و دیگران، بازآفرینی مدل تربیت رسانه ای مبتنی بر آموزه های تربیتی قرآن کریم، ۱۴۰۲، ۶۴).

در اصطلاح برای تربیت تعاریف زیادی ارائه شده است. به نظر می‌رسد این تعدد تعاریف براساس گرایشات علمی صاحب‌نظران این حوزه است. تعلیم و تربیت در کاربردی عام به معنای فرایند انتقال و تعمیق دانش‌ها و بینش‌ها، هدایت و تقویت گرایش‌ها و شکوفاسازی هماهنگ استعدادها و توانایی‌های انسان در ابعاد روحی و بدنی برای رسیدن به کمال مطلوب است (مصباح‌یزدی و دیگران، فلسفه تعلیم و تربیت، ۱۳۹۱: ۳۰). تربیت «فرایند کمک و یاری‌سازی به متریابی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره



زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری اوست که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادهای او یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتار اوست (اعرافی، فقه تربیتی، ۱۳۹۵: ۱/ ۱۴۰).

به نظر می‌رسد «تربیت یک سلسله فعالیت‌های حساب‌شده‌ای است که به منظور شکوفاسازی و به فعلیت‌رسانی تدریجی استعدادهای گوناگون نهفته در مربی برای نائل گشتن به کمال لازم توسط مربی انجام می‌گیرد. با توجه به ساحت‌ها و ابعاد مختلف وجودی انسان، باید روش‌های تربیتی متناسب با آن ساحت‌ها باشد تا اینکه نتیجه مطلوبی را ارائه دهد.

۳. خانواده

خانواده در لغت به خاندان، دودمان، اهل خانه، زن و فرزند و فامیل اطلاق می‌شود. همچنین به مجموعه کسانی که در یک خانه زندگی مشترک دارند شامل می‌شود. معمولاً خانواده از پدر، مادر و فرزندان تشکیل می‌شود (عمید، فرهنگ فارسی، ۱۳۷۵: ۲/ ۹۸۵).

خانواده در اصطلاح بر پایه آموزه‌های اسلام، به کانونی گفته می‌شود که دست‌کم یک مرد و یک زن براساس قوانین ازدواج کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. این کانون ممکن است به دلایل روابط سببی، نسبی، رضاعی و سندی اعضای دیگر را شامل شود (جمعی از نویسندگان، درآمدی بر نظام‌نامه تربیتی المصطفی ﷺ، ۱۳۹۷: ۵۰۲). خانواده عبارت است از زندگی مشترک یک زن و یک مرد که با پیمان شرعی آغاز می‌شود و بر پایه ولادت شرعی با فرزندان گسترش می‌یابد (پسندیده، کانون جوانمردی، ۱۳۸۹: ۲۳).

بنابر تعریف‌های ارائه‌شده، خانواده یک واحد بنیادی - اجتماعی متشکل از زن، شوهر و فرزندان است که دارای نقش‌ها و وظایف متعدد است و بین آن‌ها ارتباطی تنگاتنگ و همه‌جانبه برقرار است.

۴. تربیت خانوادگی

در تعریف تربیت خانوادگی آمده است: «تربیت خانوادگی آماده‌کردن و پرورش افراد است در جهت شناخت و ایفای کامل نقش اختصاصی خود در محیط خانواده تا در نتیجه، نقش‌ها و کارکردهای کلی خانواده در جامعه به بهترین و مطلوب‌ترین شکلی تحقق یابد (حاجی‌ده‌آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ۱۳۷۷: ۱۲۳).

براساس تعریفی که از مفهوم تربیت خانوادگی ارائه شد، تربیت خانوادگی، فقط شامل تربیت فرزندان توسط والدین نمی‌شود؛ بلکه فراتر از آن رفته، شامل چهار قلمرو مذکور می‌شود. قلمرو اول،

یعنی روابط زن و شوهر دارای اهمیت بیشتری است؛ چون بسیاری از اختلافات و مشکلات خانوادگی، حتی کاستی‌های حوزه تربیت فرزندان، به دلیل نبود عناصر تربیتی در روابط زن و شوهر است. تربیت خانوادگی بیشتر در قلمرو تربیت فرزندان محدود شده و به ابعاد دیگر تربیت خانوادگی، مانند روابط زن و شوهر توجه چندانی نشده است. به دلیل گستردگی موضوع تربیت خانوادگی در چهار قلمرو مذکور، در این تحقیق فقط به بررسی بخش اول، یعنی قلمرو روابط زن و شوهر می‌پردازیم. در قلمرو مذکور نیز فقط روش‌های تربیتی که می‌تواند در بُعد کنشی روابط زن و شوهر مؤثر واقع شود، از دیدگاه آیات قرآن و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) بررسی می‌شود.

۵. کنش

واژه کنش در لغت به معنای کردار و عمل، خواه کردار نیک باشد و خواه کردار بد، آمده است. چنان‌که گویند: بدکنش یعنی، بدکردار (دهخدا، لغت نامه، ۱۳۷۷، واژه کنش).

ح. روش‌های کنشی تربیت خانوادگی بین زن و شوهر

۱. روش‌های ایجاد

روش‌های ایجاد به روش‌هایی گفته می‌شود که مربی می‌تواند به کمک آن‌ها در چهارچوب نظام تربیتی پذیرفته‌شده به‌طور روش‌مند و سازمان‌یافته، رفتار یا حالت و صفت جدیدی را در مربی به وجود بیاورد (ر.ک: افشاگر، روش‌های تغییر رفتار در قرآن و علوم تربیتی، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

یکم. روش ارائه اسوه

یکی از روش‌های ایجاد در ساحت کنشی، روش تربیتی ارائه اسوه است. روش ارائه اسوه، تأثیر درخور توجهی در ایجاد رفتارهای مطلوب افراد دارد. اسوه از ریشه «أسا» (أ س و) و در حالت اسمی به معنای الگو و در حالت مصدری، به معنای پیروی کردن است (ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ۱۴۰۴: ۱/۱۰۵). اسوه در اصطلاح عبارت است از شخصیتی که باید مقتدا قرار گیرد و میزان و معیار باشد و دیگران خود را با او بسنجند (مطهری، مجموعه آثار، ۱۳۹۰: ۲۷/۲۱۴). براین اساس است الگو به عنوان شخصیتی است که از جهت رفتاری برای دیگران سرمشق تلقی می‌شود. الگوگیری به فرایندی گفته می‌شود که مربی در پایان مشاهده یا از راه شنیدن و یا در برخی از موارد از طریق مطالعه پیرامون رفتار الگو، در خودش رفتار او را ایجاد می‌کند تا با الگوگیری، در رفتار و گفتار مربی، حالت نیکویی، طبق آن عمل نمونه پدید آید.



انسان در ذات خود الگوطلب و الگوپذیر است، به همین جهت انسان‌ها بسیاری از اعمال خود را به‌طور ناخودآگاه از دیگران تقلید می‌کنند؛ بنابراین هرچه الگوها صفات کامل‌تری داشته باشند، سرمشق‌های بهتری برای فرد به ارمان می‌آورند (حاجی‌ده‌آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ۱۳۷۷: ۱۵۱). ارائه سرمشق از آن جهت اهمیت دارد که اولاً مرتبی رفتار را در عمل و با همه ظرافت‌هایی که در اجرای آن وجود دارد، مشاهده می‌کند و ثانیاً مشاهده عمل صادرشده از اسوه و مقتدا امکان عملی شدن آن را به‌صورت عینی برای مرتبی اثبات می‌کند و ثالثاً مشاهده رفتارهای مقتدا و زیبایی‌های آن موجب می‌شود در مرتبی گرایش اقدام به رفتارهای مطلوب ایجاد و تقویت شود تا مرتبی موقعیت اجتماعی مرتبی خود را دگرگون سازد (ر.ک: داودی، تربیت اخلاقی، ۱۳۸۷: ۱۴۲؛ باقری، نگاه دوباره به تربیت اسلامی، ۱۳۷۴: ۱۰۲).

قرآن و روش ارائه اسوه

از ویژگی‌های منحصر به فرد دین اسلام، وجود اسوه‌های برجسته و ممتازی چون حضرت محمد ﷺ است. خداوند در قرآن کریم نبی اکرم ﷺ را به‌عنوان اسوه مطلق برای کسانی که به خداوند و معاد باور دارند، معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا» (احزاب/۲۱)؛ «مسئلاً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند.»

فید «حسنه» برای اسوه، این حقیقت را بیان می‌کند که الگو می‌تواند نیک یا بد باشد. اسوه در مورد رسول خدا ﷺ، به معنای پیروی از اوست. این وظیفه همیشه ثابت است و هم در گفتارش و هم در رفتارش، همیشه باید به آن جناب تأسی شود (ر.ک: طباطبائی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۱۶/۲۸۸). آن حضرت در تمام زمینه‌های زندگی برای ما نمونه و الگوست؛ حتی در محیط خانواده. گرچه این آیه مربوط به جنگ خندق می‌است؛ ولی در عین حال، مفهوم آن، محدود و منحصر نیست؛ بلکه عمومیت دارد. به این معنا که بر شما لازم است از جمیع جهات به زندگی پیامبر اسلام ﷺ تأسی کنید؛ اما کسی می‌تواند به این تأسی مبارک و مقدس دست یابد که دارای سه هدف باشد، اول به رحمت خدا امیدوار باشد؛ دوم به روز قیامت معتقد باشد و سوم خدا را بسیار یادآوری کند (نجفی، تفسیر آسان، ۱۳۹۸: ۸۴-۸۳/۱۶). وجود الگو و پیروی از اسوه آن قدر حائز اهمیت است که قرآن حتی پیامبر اسلام ﷺ را به الگوگیری از هدایت یافتگان امر می‌کند: «أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمْ أَقْتَدِهِ» (انعام/۹۰)؛ «آنان (پیامبران) کسانی هستند که خدا (آنان را) راهنمایی کرده، پس از هدایت آنان پیروی کن!» ارزش انسان‌ها با خط فکری و سیره عملی آن‌ها سنجیده می‌شود، به همین دلیل نغمه‌مود به خود پیامبران اقتدا کن؛ بلکه فرمود به «هدایت پیامبران» اقتدا کن (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۶/۱۲۹).

روش ارائه اسوه در تربیت خانوادگی

در زندگی خانوادگی زن و شوهر می‌توانند در عرصه‌های مختلف برای یکدیگر الگوی خوبی باشند. با ارائه و عملی‌سازی رفتارهای مطلوب از خود، زمینه ایجاد رفتارهای مطلوب در طرف مقابل فراهم می‌شود. زن و شوهر می‌توانند در سه عرصه حیاتی، در ارتباط با خود، در ارتباط با خدا و در ارتباط با دیگران برای یکدیگر الگو و سرمشق شایسته باشند:

۱. در ارتباط با خود: از جمله مشکلاتی که در خانواده ممکن است ظاهر شود، کم‌توجهی نسبت به نظم و ترتیب است. خانواده‌ای موفق و پویا است که همه اعضای آن نظم و انضباط داشته باشند. زن و شوهر در زمینه نظم نیز برای یکدیگر می‌توانند الگو شوند. نظم در خانواده دارای فواید همچون محکم‌کاری، احترام به حقوق دیگران و استفاده بهینه از فرصت‌هاست. نظم در خانواده دارای مؤلفه‌هایی است، از جمله نظم در عبادت، نظم در گفتار، نظم در نظافت و زینت و نظم در غذا خوردن (مفید، الامالی، ۱۴۱۳: ۲۲۲؛ تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ۱۴۱۰: ۶۳۹؛ ری‌شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ۱۳۸۷: ۳۱۵).

۲. در ارتباط با خدا: یکی از مواردی که زن و مرد باید برای یکدیگر الگو باشند، خداپاوری و توحیدمحوری است. این نگرش به زندگی همه انسان معنا می‌دهد و آن را هدفمند می‌کند. همچنین در او آرامش معنوی ایجاد می‌کند. کسی که در محیط خانواده خدا را از رگ گردن به خود نزدیک‌تر (ق/۱۶) بداند مسلماً گفتار، رفتار و کردار خود را درباره خانواده زیر نظر می‌گیرد و سعی می‌کند وظایف و مسئولیت‌های خود را به‌خوبی انجام دهد. خدامحوری در زندگی خانوادگی در سیره انبیاء الهی نیز مشهود است. خداوند در قرآن فرمود: ﴿وَ خُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ وَ لَا تَحْنَتْ إِنَّا وَ جَدْنَاهُ صَابِرًا نِّعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ﴾ (ص/۴۴)؛ «و با دست بسته‌ای ترکه خشک بگیر و همسرت را با آن بزن، و سوگندت را نشکن. بی‌شک ما او را شکیبا یافتیم. چه نیکو بنده‌ای! به‌درستی بسیار رجوع‌کننده به‌سوی ما بود.»

طبق این آیه خدامحوری در زندگی خانوادگی حضرت ایوب علیه السلام به‌روشنی دیده می‌شود. به این معنا که حفظ خدامحوری در زندگی زن و شوهر به‌قدری دارای اهمیت است که حتی زمانی تمایل به گذشت در بین همسران است، باز مراقب هستند که با در نظر گرفتن حریم الهی باشد و هیچ‌چیز تحت پرچم عشق و محبت به این حریم آسیبی نرساند. حضرت ایوب علیه السلام زمان مریضی خود به‌علت خطای همسرش سوگند یاد می‌کند که اگر حالش خوب شود، صد ضربه تازیانه به او بزند؛ ولی وقتی حالش خوب می‌شود به سبب فداکاری‌ها، می‌خواهد همسرش را ببخشد و به دلیل اینکه به خدا قسم خورده بود، تأمل می‌کند (طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۷۴۶/۸؛ کاشانی، منهج الصادقین، ۱۳۳۶: ۸/۶۰). از تعبیر پایان آیه ﴿صَابِرًا نِّعْمَ الْعَبْدُ﴾ به دست می‌آید که خشم او در جهت خشم الهی بوده، نه در جهت هوای نفس (ر.ک: مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۱: ۱۹/۳۰۰).



۳. در ارتباط با دیگران: از آن جهت که انسان موجودی اجتماعی است و برای برآورده ساختن خواسته‌های خود، بی‌نیاز از ایجاد روابط با دیگران نیست، خانواده نیز یک جامعه کوچکی است که در نظر گرفتن برخی لوازم زندگی از جمله عفو و گذشت در تحکیم و تصعید روابط خانوادگی می‌تواند مؤثر واقع شود. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «عفو کردن و از تقصیر گذشتن با وجود قدرت و انتقام، طریق پیامبران و متقیان است و معنای عفو آن است که هرگاه از کسی جرمی و تقصیری نسبت به تو واقع شود، پی او نروی و به او اظهار نکنی و از ظاهر و باطن فراموش کنی و احسان را به او زیاده‌تر از پیش کنی.» (منسوب به امام صادق (علیه السلام)، مصباح الشریعه، ۱۳۶۰: ۲۵۰).

در قرآن کریم خداوند مراتب عفو و گذشت را درباره خانواده این طور ترسیم فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَآخِذُوا بِهِمْ وَ إِنْ تَعَفَوْا وَ تَصَفَحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (تغابن/۱۴)؛ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حقیقت بعضی از همسران شما و فرزندان دشمن شما هستند، پس از آن‌ها بی‌مناک باشید و اگر ببخشید و درگذرید و بیامرزید، پس به‌راستی خدا بسیار آمرزنده و مہرورز است.» (درباره شأن نزول آیه نک: واحدی، اسباب نزول القرآن، ۱۴۱۱: ۴۵۴؛ سیوطی، تفسیر الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۶/۲۲۷).

هرچند این آیه دارای شأن نزول ویژه‌ای است؛ ولی می‌توان مفهوم آن را گسترش داد. آیه پیرامون دشمنی برخی فرزندان و همسران انسان‌ها بحث می‌کند. این دشمنی جلوه‌های گوناگونی دارد، بعضاً آن‌ها مانع انجام کارهای مثبت مانند جهاد و انفاق می‌شوند و گاهی در انتظار مرگ انسان می‌نشینند تا از ارث بهره‌ای ببرند. البته همه فرزندان و همسران دشمن انسان نیستند؛ بلکه برخی از آنان چنین هستند؛ چون «مِنْ» در «مِنْ أَرْوَاحِكُمْ» تبعیضیه است. برخی دیگر از آن‌ها، یاوران راه خدا و امدادگر پدر در راه انجام وظایف الهی هستند. در این آیات سه تعبیر درباره رفتار با خانواده به کار رفته است:

- آنان را عفو کنید و از لغزش آنان صرف نظر کنید و آنان را ببخشید؛
- آنان را سرزنش نکنید؛ یعنی بدی آنان را نادیده بگیرد و به فراموشی بسپارد؛
- با غفران با خانواده خویش برخورد کنید. گناه آنان را بپوشانید و بیامرزید و به فراموشی بسپارید (رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ۱۳۸۷: ۲۱/۸۶).

ذکر دو صفت فعلی «غفور و رحیم» در این آیه نماینگر تشویق مؤمنان به گذشت از لغزش همسر و فرزندان و ترغیب به متخلق شدن به عفو است تا از این راه از صفت مغفرت خدا بهره‌مند شوند (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۱۹/۳۰۷).

هیچ زندگی اجتماعی به اندازه زندگی خانوادگی نیازمند گذشت نیست. اگر اعضای خانواده بخواهند در مورد یکدیگر سخت‌گیری کنند و لغزش‌های هم را دنبال کنند، یا زندگی از هم می‌پاشد و یا بدترین زندگی را خواهند داشت (ر.ک: امینی، همسر داری، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

دوم. روش امر به معروف و نهی از منکر

یکی از روش‌های تربیتی در ایجاد و اصلاح رفتارهای مطلوب، روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر است که از ضروریات دین شمرده می‌شود و جزو فروع دین است. همچنین بقای جامعه انسانی بر آن استوار است (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۴۶۳/۳).

واژه «معروف» در لغت از ماده (عَرَفَ، يَعْرِفُ) به معنای شناخته شده است (ورعی، مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر، ۱۳۹۵: ۳). نقطه مقابل معروف، «منکر»، به معنای ناشناخته (از ماده نکر) است (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴: ۲۳۶/۹). در اصطلاح «معروف» به معنای طاعت و «منکر» به معنای معصیت است و هر آنچه خدا و رسولش به آن امر کرده‌اند، معروف و آنچه را خدا و رسولش از آن نهی کرده‌اند، منکر است (طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲: ۸۰۷/۲). «منکر» یعنی آنچه در آن رضای خدا نیست. سخنی، گفتاری، عملی، کرداری که برخلاف خوشنودی خدا است، منکر محسوب می‌شود (حسینی‌بهشتی، بایدها و نبایدها (امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن)، ۱۳۹۶: ۷۴).

خانواده نیز به عنوان یک جامعه کوچک و یکی از مهم‌ترین نهادهای جامعه و شکل‌دهنده شخصیت آدمی، هیچ‌وقت از این روش تربیتی بی‌نیاز نیست. بسیاری از اختلالات خانوادگی، در ناآگاهی از کارهای خوب و بد و تمایز نگذاشتن بین آن دو است. «امر به معروف و نهی از منکر یک نوع نظارت عمومی و مراقبت همگانی است. خداوند برای هر مسلمانی نسبت به سایر مسلمانان، ولایت و اختیار داده تا آنان را به نیکی امر کند و از بدی باز دارد» (ر.ک: امینی، اسلام و تعلیم و تربیت، ۱۳۸۴: ۴۲۶)؛ بنابراین هرکس به خصوص زن و مرد در محیط خانواده موظف است، به انجام کارهای خوب دعوت کند و افراد را از مرتکب شدن به کارهای زشت باز دارد. در برخی نوشته‌ها در باب تربیت خانوادگی، این روش بیشتر ناظر به تربیت فرزندان از سوی پدر و مادر در نظر گرفته شده است. درحالی‌که اول باید خود پدر و مادر در این زمینه پرورش یابند و درباره کارهای پسندیده و کارهای زشت نسبت به یکدیگر امر و نهی کنند.

این بخش دربردارنده روش‌های ایجاد کنشی در امر ارتباط زن و شوهر است و امر به معروف یک روش ایجاد کنشی محسوب می‌شود؛ ولی روش نهی از منکر، یک روش اصلاحی کنشی به شمار می‌آید. این دو روش در کتاب‌های فقهی و تربیتی (از جمله: موسوی خمینی، تحریرالوسیله، مبحث امر به معروف) باهم مورد بحث قرار گرفته شده است و دارای مباحث مشترکی می‌باشد. برای جلوگیری از تکرار مباحث مشترک در یکجا به آن پرداخته‌ایم.



امر به معروف و نهی از منکر در خانواده

یکی از روش‌های تربیت خانوادگی در امر ارتباط زن و شوهر، امر به خوبی‌ها و باز داشتن از بدی‌ها است. غالباً افراد این طور فکر می‌کنند که زن و شوهر فقط پیش از ازدواج در شناخت شخصیت و روحیات همسر باید تصمیم‌گیری کند و از خود عکس‌العمل نشان دهد و اگر بعد از ازدواج در او شاهد کاستی‌هایی بشود، دیگر ناچار باید با این شرایط کنار بیاید. در حالی که بعد از پیوند زناشویی نیز در صورت بروز نواقص و معایب در رفتار و کردار هم‌دیگر، برای ایجاد رفتارهای مطلوب و اصلاح کنش‌های نامطلوب و برای پرورش صفات و اعمال نیک اقدام کنند. قرآن برای نگهداری خانواده و دور کردن آن‌ها از گناه و معصیت، تأکید کرده و به مخاطبان خود دستور می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم/۶)؛ «ای مؤمنان! خود و خانواده خود را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست حفظ کنید.»

در این آیه شریفه خداوند توجه انسان را به خود و خانواده‌اش جلب کرده، تأکید می‌کند که نه تنها مسئول نگهداری خویشان از گناه است؛ بلکه سزاوار است خانواده‌اش را نیز از ارتکاب گناه نجات دهد؛ چراکه اگر آن‌ها را به حال خود رها کند خواه‌ناخواه به‌سوی آتش دوزخ پیش می‌روند. علامه طباطبایی در تفسیر «المیزان» در ذیل همین آیه بیان می‌کند که این آیه پس از آیات قبلی، جنبه تعمیم بعد از تخصیص دارد؛ زیرا در آیات قبلی با بیانی خصوصی همسران پیامبر ﷺ را مورد خطاب قرار می‌دهد؛ ولی در آیه مذکور خطاب را متوجه عموم مؤمنان می‌کند (ر.ک: طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۱۹/۳۳۵).

درباره دلالت این آیه بر امر به معروف و نهی از منکر، حدیثی از امام صادق (ع) نقل شده است که یک نفر درباره چگونگی نگهداری خانواده خود از آتش دوزخ سؤال کرد. حضرت فرمود: «آن‌ها را امر کن به آنچه خدا امر کرده است و نهی کن از آنچه خدا نهی کرده است، اگر اطاعت کردند که تو ایشان را حفظ کرده‌ای و به وظایف عمل کرده‌ای و اگر نافرمانی کردند، خودشان گنهکارند، تو آنچه را بر عهده داشته‌ای ادا کرده‌ای.» (مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴: ۹۷/۷۴). علامه مجلسی در جای دیگر می‌گوید، این آیه بر وجوب امر به معروف و نهی از منکر دلالت می‌کند. مسلم است که در این امر نزدیکان انسان یعنی همسر، والدین و فرزندان از اولویت ویژه‌ای برخوردارند (همان: ۷۱، ۱۴۰۴: ۸۶). سیوطی در ذیل تفسیر این آیه چند حدیث از نبی اکرم ﷺ نقل کرده است که همه آن‌ها ناظر به امر به معروف و نهی از منکر خانواده است: «مروهم بطاعة الله و أنهوهم عن معصية الله». «تأمرؤنهم بما يحبه الله و تنهونهم عما يكره الله» (ر.ک: سیوطی، تفسیر الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۶/۲۴۴). بی‌گمان

نگهداری خانواده از معصیت الهی و زیر نظر داشتن آن‌ها، بدون امر و نهی امکان‌پذیر نیست. در قرآن برای تحقق این امر، نمونه‌هایی از زندگی انبیا الهی در خانواده ذکر شده است. به عنوان نمونه یکی از راه‌های نجات اعضای خانواده، سفارش عملی به نمازی است که باعث جلوگیری از ارتکاب بسیاری از گناهان است. خداوند در قرآن دو پیامبرش حضرت محمد ﷺ و حضرت اسماعیل علیهما السلام را به عنوان آمر به اقامه فریضه نماز معرفی کرده است: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا تَسْلُكُ رِزْقًا نَحْنُ نَزَّلُكَ وَ الْعَقِبَةُ لِلتَّقْوَى» (طه/۱۳۲)؛ «و خانواده‌ات را به نماز فرمان بده و خود نیز بر آن شکیبایی بورز؛ از تو رزقی نمی‌طلبیم، ما به تو روزی می‌دهیم و عاقبت نیک برای پرهیزکاری است». وقتی آیه «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ» نازل شد، رسول خدا ﷺ همواره تا هشت ماه به در خانه علی ﷺ می‌آمد و می‌فرمود: «نماز، خدا رحمتتان کند. همانا خدا می‌خواهد پلیدی را از شما اهل بیت دور نموده، آن طور که خود می‌داند پاکتان کند» (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۲۴۲/۱۴؛ سیوطی، تفسیر الدر المنثور، ۱۴۰۴: ۳۱۳/۴؛ حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۴: ۴۳۶). این یک وظیفه تربیتی است که انسان آن را نسبت به اطرافیانش و در درجه اول اعضای خانواده و به‌ویژه همسر خود در نظر بگیرد و در به‌کار بستن آن تمام سعی خود را تحقق ببخشد. با توجه به نفوذ فرهنگ غرب در جامعه اسلامی و خطر گمراهی خانواده‌ها، مسئولیت سرپرستان خانواده را در نگهداری کانون گرم خانواده و تعلیم و تربیت افراد آن، دوچندان می‌کند. در رأس تعلیم و تربیت خانواده و به‌ویژه زن و شوهر، آگاه‌سازی یکدیگر از خوبی‌ها و زشتی‌ها و امر به معروف و بازداري از منکر است.

خداوند درباره حضرت اسماعیل علیهما السلام فرمود: «وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا» (مریم/۵۵)؛ «و همواره خانواده‌اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و نزد پروردگارش پسندیده بود». از امام صادق علیهما السلام نقل شده است که فرمود: «بنده مؤمن، پیوسته به خانواده خود علم و ادب صالح می‌آموزد تا اینکه همه آنان را وارد بهشت می‌گرداند.» (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸: ۲۰۱/۱۲). انسان موجودی فراموش‌کار است، ممکن است بر اثر فراموشی از برخی از وظایف و باید و نبایدها در زندگی کوتاهی کرده، دچار گمراهی و خطا شود؛ لذا هر انسان با ایمانی نه تنها در طول زندگی باید مراقب رفتار و اعمال خود باشد؛ بلکه باید نسبت به اعمال و کردار نزدیکان خود نیز بی‌تفاوت نبوده، در صورت مواجهه با رفتار خارج از عرف و شرع، آنان را امر به خوبی‌ها کند و از بدی‌ها باز بدارد (ر.ک: فیاض حسین، ویژگی‌های خانواده سالم در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن، ۱۳۹۷: ۱۷۵)؛ بنابراین این دو آیه امر به معروف و نهی از منکر را به عنوان یک روش تربیتی برای خانواده و روابط زن و شوهر معرفی می‌کند. همچنین بر اهمیت امر تربیت خانوادگی و اولویت تقدم



تربیت دینی خانواده بر بقیه مردم (اهله، اهلیک) و تقدم تربیت ساحت عبادی بر ساحت جسمی و اقتصادی دلالت دارد (یأمر، لا نسلک رزقا، وَ أُمُرُ أَهْلَکَ بِالصَّلَاةِ). علاوه بر آن برای رسیدن به تربیت خانوادگی اصل استمرار (کان یأمر) و صبر در برنامه تربیت (واصطبر علیها) را بیان می‌کند. چون فعل مضارع با فعل «کان» آمده است بر استمرار فعل در گذشته دلالت می‌کند. علاوه بر این نکات، لزوم پایبندی عملی مربی به برنامه تربیتی قبل از متربی و هماهنگی گفتار با عمل (واصطبر علیها) را نیز تأکید می‌کند. همچنین لزوم اقدام عملی (رفتن پیامبر ﷺ به در خانه اهل بیت ﷺ در مدت ۸ یا ۹ ماه روزی ۵ بار) از آثار تربیتی این دو آیه است؛ همان‌گونه که امر به نیکی‌ها در خوشبختی افراد خانواده می‌تواند مؤثر واقع شود، نهی از زشتی‌های گناه نیز در سعادت آن‌ها مسلماً تأثیرگذار است. اگر نهی از منکر در خانواده نباشد، موجب آسیب جدی خانواده می‌شود. براین اساس هریک از اعضاء خانواده شایسته است نسبت به کار زشت طرف مقابل از خود عکس‌العمل نشان دهند.

قواعد روشی

در اینجا طبق آیات قرآن قواعدی که می‌تواند بر عملی‌سازی روش تربیتی امر به معروف و نهی از منکر در روابط زن و شوهر مؤثر باشد، بررسی می‌شود:

۱. مقدم بودن امر بر نهی: براساس قرآن، امر بر نهی مقدم شده است. مسلماً تکرار این روال در آیات قرآن دلیلی دارد. به نظر می‌رسد دلیل این مقدم‌شدن، این باشد که امر به‌منزله ایجادکردن عمل و رفتار، ولی نهی، زدودن و اصلاح‌کردن است. تا زمانی که عملی وجود نداشته باشد، پاک‌کردن آن بی‌معناست. اگر خوبی‌ها به وجود بیایند، بدی‌ها خودبه‌خود از بین خواهند رفت (ر.ک: قائمی مقدم، روش‌های تربیتی در قرآن: ۱۹۴). ﴿إِنَّ الْخَسَنَاتِ يَذْهَبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ (هود/۱۱۴)؛ «یقیناً نیکی‌ها بدی‌ها را از میان می‌برند.»

۲. تکرار و بادوام‌بودن: تداوم در امر به خوبی‌ها و نهی از بدی‌ها، برای این است که از اول نمی‌شود برای رسیدن به آن مدت خاصی مشخص کرد. خانواده‌ای که در آن به خوبی‌ها عمل نمی‌شود و از زشتی‌ها بازداشته نمی‌شود، خانواده ناسالمی است. تا هنگامی که آن خانواده از سلامت لازم برخوردار نباشد، برای رسیدن به سلامت مطلوب و دورشدن از ناهنجاری‌ها، باید این روش را ادامه داد: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِئْتَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ﴾ (بقره/۱۹۳)؛ «و با آن‌ها بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین فقط ویژه خدا باشد.»

۳. در نظر گرفتن حدود و مرز: هدف از امر به معروف و نهی از منکر در خانواده، پیاده‌سازی دستورات الهی و زدودن معصیت خداوند است؛ بنابراین این روش نباید با ناهنجاری رفتاری همراه شده باشد؛ لذا به‌کار بستن این روش در روابط زن و شوهر، باید بر محور تقوا تحقق یابد.

۲. روش‌های اصلاحی

در اینجا روش‌های اصلاحی ساحت کنشی تربیت خانوادگی در امر ارتباط زن و شوهر مورد تحلیل قرار می‌گیرد. روش‌های اصلاحی به روش‌هایی گفته می‌شود که درباره حذف یا کاهش رفتار یا صفتی ناپسند (اعم از رفتار ظاهری یا باطنی) مورد استفاده قرار می‌گیرد (ذبیح افشاگر، روش‌های تغییر رفتار در قرآن و علوم تربیتی، ۱۳۹۵: ۱۱۸).

یکم. روش تغافل

یکی از روش‌های تربیتی که در تربیت بُعد کنشی و رفتاری خانواده استفاده می‌شود، روش چشم‌پوشی و تغافل است.

در لغت واژه «تغافل» از ریشه «غفل» به معنای خود را عمدتاً به غفلت زدن آمده است. همچنین به معنای نادیده‌انگاشتن، چشم‌پوشی عمدی و خود را به غفلت زدن است (زبیدی، تاج العروس، ۱۴۱۴: ۱۵/۵۴۷ - ۵۴۸)؛ یعنی مربی از عمل متربی آگاهی داشته باشد؛ ولی دانسته خود را بی‌خبر و غافل نشان دهد. در اصطلاح معنای «تغافل» این است که «فردی از خطا و لغزشی کسی آگاه می‌شود و جای توجیه و حمل بر صحت هم وجود ندارد؛ اما از سر مصلحتِ اهم، خود را غافل و بی‌خبر نشان می‌دهد، به گونه‌ای که شخص خطاکار تصور می‌کند که وی از لغزش او خبر ندارد (ذبیح افشاگر، روش‌های تغییر رفتار در قرآن و علوم تربیتی، ۱۳۹۵: ۱۳۵).

در روش تغافل توجه به ضعف‌های متربی جلب می‌شود. در واقع سنگ بنای این روش، یکی از نیازهای معنوی و روحی انسان است، به این معنا که انسان‌ها معمولاً نمی‌خواهند دیگران متوجه خطای آن‌ها شوند و از این طریق سعی می‌کنند از عزت و کرامت خود نگهداری کنند؛ چون انسان موجودی اجتماعی است و هر چه قدر عزت او در جامعه بیشتر شود، پذیرش او نیز به همان اندازه افزایش پیدا خواهد کرد.

روش تغافل بین زن و شوهر

گاه در رابطه زن و مرد بر سر انتظاراتی که از یکدیگر دارند یا بر سر کمبودها، کشمکش پدید می‌آید. یکی از راه‌حل‌ها این است که فرد قدرتمند در خانه با تندخویی فضای خانه را به گمان خود آرام کند. این روش، از سر خودخواهی است. روش دیگر عذرخواهی از اشتباهات است که کانون خانواده را صفا می‌بخشد؛ اما همسران در مسائلی چون تهیه لوازم غیرضروری زندگی، بدخلقی‌های مقطعی، جسارت زن نسبت به مرد یا مرد نسبت به زن و انجام‌نشدن کارهای خانه می‌توانند با روش تغافل بر صفای درون خانه افزوده، ریشه کدورت‌ها را خشک کنند (ر.ک: بهرام طجری، چشم‌اندازی بر جایگاه و نقش تغافل در فرایند تربیت با نگرشی اسلامی، ۱۳۸۱: ۶۵).



براساس معارف قرآن، زن و مرد لباس یکدیگر هستند که یکی از مصادیق لباس هم بودن، چشم‌پوشی از خطاها و اشتباهات یکدیگر است. خداوند در قرآن فرمود: «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَ أَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره/۱۸۷)؛ «آنان برای شما لباس اند و شما برای آنان لباس اید». این تعبیر نهایت ارتباط معنوی مرد و زن و نزدیکی آن‌ها را به یکدیگر و نیز مساوات آن‌ها را در این زمینه کاملاً روشن می‌سازد؛ زیرا همان تعبیر که درباره مردان آمده است درباره زنان هم بدون هیچ تغییری تکرار شده است (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۱: ۱/ ۶۵۰). تعبیر پوشش زن و مرد نسبت به یکدیگر کنایه از آن است که هر دو می‌بایست نسبت به عیوب احتمالی یکدیگر تغافل داشته باشند و از سرزنش یکدیگر خودداری کنند. بی‌تردید عیب‌جویی یا اظهار عیوب زن و شوهر موجب شرم‌ساری و ایجاد زمینه‌های کینه‌ورزی و ازدست‌رفتن فرصت بازسازی می‌شود (اکبری‌فرد، تغافل و نقش تربیتی آن، ۱۳۹۷: ۶۴). این تغافل نه تنها در آغاز زندگی مشترک زن و مرد باید وجود داشته باشد، بلکه در طول تنظیم روابط زناشویی لازم است مورد توجه زن و شوهر قرار بگیرد. آلوسی تعبیر «لباس» را به معنای آرامش برای هریک از زن و مرد گرفته است (ر.ک: آلوسی‌بغدادی، روح المعانی، ۱۴۱۸: ۱/ ۴۶۱). این آرامش زمانی تحقق می‌یابد که زن و مرد از لغزش‌های کم‌ارزش یکدیگر تغافل به خرج دهند تا بتوانند در اصلاح عیوب یکدیگر گامی جلوتر بگذارند. «از آن جهت که لباس انسان را می‌پوشاند و حفظ می‌کند، زن و مرد در این آیه به لباس تشبیه شده‌اند.» (ر.ک: زمخشری، الکشاف، ۱۴۰۷: ۱/ ۲۳۰). روشن است که لباس متناسب با فصل و زمان، تغییر پیدا می‌کند، بنابراین هرکدام از زن و شوهر باید رفتار خود را متناسب با نیازهای روحی همسر خود تنظیم کنند. همچنین لباس باید از جهت رنگ، دوخت و جنس، مطابق جایگاه انسان باشد یا اینکه لباس هم سبب نگهداری از بدن است و زینت برای آن شمرده می‌شود و انسان همواره به آن احتیاج دارد (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۸۲؛ مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۱: ۱/ ۶۵۰). این نهایت بزرگواری است که مرد از زن خود خطائی ببیند و زن از شوهر خود اشتباهی ملاحظه کند و خود را در کمال جوان‌مردی، عمداً به فراموشی بزند (انصاریان، نظام خانواده در اسلام، ۱۳۸۹: ۲۴۸). شایان ذکر است که «تغافل» منافاتی با روش «امر به معروف و نهی از منکر» و «انتقاد سازنده» ندارد؛ زیرا روش «امر به معروف و نهی از منکر» مربوط به واجبات، مستحبات، محرمات و مکروهات است که این موضوع از محدوده «تغافل» بیرون است و انتقاد سازنده نیز مربوط به اموری است که در سرنوشت فرد و جامعه اثر درخور توجهی داشته باشد، درحالی‌که «تغافل» مربوط به امور کم‌ارزش و یا عیوبی است که مصلحت در آن است که پنهان بماند (ر.ک: مکارم‌شیرازی، اخلاق در قرآن، ۱۳۸۲: ۲/ ۳۶۶).

دوم. روش محروم سازی

روش محروم سازی از روش های مهم در زمینه اصلاح یا کاهش رفتارهای نامطلوب است. این روش به طور معمول عواطف متری را متأثر می سازد و معمولاً هنگامی به کار گرفته می شود که تشویق و خوش رفتاری پاسخ مثبت ندهد. محروم سازی به معنای سلب نعمت است و در آن، فرد خطاکار از یک شیء مادی و یا یک امر معنوی محروم می شود (قائمی مقدم، روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، ۱۳۸۵: ۱۴۴). روش محروم سازی عبارت است از حذف موقتی محرک خوشایند و یا تقویت کننده به خاطر رفتار نامطلوب که فرد انجام داده است (محمدی، روان شناسی یادگیری، ۱۳۷۷: ۱۵۴). لازم است مدت محرومیت متری از دریافت تقویت و پاداش، مشخص و موقت باشد. این مطلب علاوه بر اینکه توجه روان شناسان معاصر را به خود جلب کند، مورد توجه دین اسلام نیز قرار گرفته است.

تمام روش های تربیتی اسلامی از جمله روش محروم سازی برای تعلیم و تربیت روح و جسم انسان ها و شکوفاسازی استعداد های آنان برای جهت کمال در نظر گرفته شده است. اسلام محروم سازی را به عنوان یک روش تربیتی خدشه ناپذیر، برای استمرار زندگی اجتماعی ضروری می داند؛ لکن این روش حیاتی، آخرین روش تربیتی به عنوان عامل بازدارنده، مطرح است. سنگ بنای این روش، دلبستگی های انسان است. انسان ها به خیلی از امور علاقه نشان می دهند و داشتن آن ها برایشان غالباً خوشایند است؛ مانند محیط گرم خانه، محبت پدر و مادر، تکریم شخصیت آن ها و پذیرفته شدن در جمع. براین اساس قهر زن و شوهر از روش های مؤثر تربیتی به شمار می آید (ر.ک: حاجی ده آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ۱۳۷۷: ۱۶۷-۱۶۸). این روش تربیتی از حساسیت و پیچیدگی خاصی برخوردار است و هر نوع کم توجهی یا بی دقتی می تواند برای متری پیامدهای مخربی در پی داشته باشد (ر.ک: موسوی کاشمری، روش های تربیت، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

محروم سازی در روابط زن و شوهر

نظام تربیتی قرآن در تربیت خانوادگی، روش محروم سازی را نیز برای تحکیم و اصلاح روابط زن و شوهر مد نظر قرار داده است. محروم سازی در روابط زن و شوهر، گاهی نسبت به نعمت های مادی است از قبیل ممنوعیت از مالک بودن، محروم سازی از استفاده کردن و خوردن چیزهایی مادی و گاهی محرومیت نسبت به نعمت های معنوی همچون محرومیت از محبت، محروم سازی از روابط عاطفی و همنشینی با دیگران (ر.ک: قائمی مقدم، روش های آسیب زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، ۱۳۸۵: ۱۴۴) این نوع محرومیت غالباً در قالب قهر و قطع کردن ارتباط با متری خطاکار، تحقق پیدا می کند. خداوند در این باره در قرآن فرمود:



﴿...وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ﴾ (نساء/۳۴)؛ «...و زنانی که از

سرکشی و نافرمانی آن‌ها می‌ترسید پندشان دهید و در خوابگاه‌ها از آنان دوری کنید.»

واژه «نشوز» در اصل از ماده «نشر» به معنای «زمین مرتفع» است و هنگامی که در مورد زن و مرد به کار می‌رود به معنای سرکشی و طغیان است (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۱: ۴/۱۵۰). مراد از خوف نشوز این است که علائم آن به تدریج پیدا شود و معلوم گردد که خانم می‌خواهد ناسازگاری کند. ظاهر جمله: «وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ» این است که بستر محفوظ باشد؛ ولی در بستر با او قهر کند؛ مثلاً در بستر پشت به او کند و یا طوری دیگری بی‌میلی خود را به او بفهماند (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۴۱۷: ۴/۳۴۵). در صورتی که اندرزهای شما سودی نداد، در بستر از آن‌ها دوری کنید و با این عکس‌العمل و بی‌اعتنایی و به اصطلاح قهر کردن، نارضایتی خود را از رفتار آن‌ها آشکار سازید. شاید همین «واکنش خفیف» در روح آنان مؤثر گردد (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۸۱: ۳/۳۷۲). «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً» در پایان مجدداً به مردان هشدار می‌دهد که مقام پروردگارشان بلندمرتبه است، پس، از قدرتی که بر زنان خود دارند مغرور نشوند و سوءاستفاده نکرده، در اثر غرور به آن‌ها ظلم و استعلا و استکبار نکنند و همواره به یاد بلندی مقام پروردگارشان باشند. از امام باقر (ع) این طور روایت شده است که فرمود: «هجر در مضاجع به این است که در رخت‌خواب زن بروید؛ ولی پشت خود را به او کنید.» (طبرسی، تفسیر مجمع البیان، ۱۳۷۲: ۳/۶۹). هنگام قهرکردن باید زن و شوهر ظرفیت روانی و توانایی خود را در نظر بگیرند و اگر یکی از آن‌ها متنبه شد، باید بی‌درنگ آشتی کنند و به قهرکردن و محروم‌سازی پایان ببخشند. در غیر این صورت، یعنی اگر محرومیت در این شرایط ادامه پیدا کند، امکان دارد مرتبی با محرومیت خو بگیرد و می‌تواند زمینه عناد و دشمنی با مربی فراهم شود. این مسئله در روایات اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است. نقل شده است که پیامبر رحمت (ص) فرمود: «سزاوار نیست مسلمانی بیش از سه روز با برادر خود قهر کند» (ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ۱۴۱۳: ۴/۳۸۰). برای اینکه بتوان مجدداً بین زن و شوهر ارتباط برقرار شود، بهتر است زن و شوهر به اقتضای جایگاه مربی بودن خود، کسی را به عنوان واسطه انتخاب کند تا اینکه روابط بین خودشان را از نو بسازد. این کار، هم در طرف مقابل آماجی ایجاد می‌کند و هم شائیت مربی را حفظ می‌نماید. این مسئله مورد تأیید احادیث اسلامی نیز است (کاشانی، الوافی، ۱۴۰۶: ۵/۹۲۰)؛ ولی بعضاً طبق موقعیتی بهتر است که خود مربی برای اقدام به برپایی مجدد روابط، گامی بردارد. این نیز می‌تواند نوعی بزرگ‌داشت و احترام قائل شدن برای مربی باشد.

شرایط و ضوابط روش محروم‌سازی

برای اینکه روش محروم‌سازی در روابط زن و شوهر نتیجه دهد و اثر خود را در آن دو بجا بگذارد، در نظر گرفتن و رعایت کردن چند مسئله مهم در به‌کارگیری این روش تربیتی میان زن و مرد لازم است:

۱. محروم‌سازی باید بلافاصله پس از بروز رفتار نامطلوب صورت پذیرد. در غیر این صورت تحقق بخشیدن به محرومیت کار سختی خواهد بود و در مرتبی اثر نخواهد کرد.

۲. محرومیت باید در محیط و موقعیتی به کار رود که مرتبی آن را پاداش و تقویت می‌داند و برای او از اهمیت بالایی برخوردار بوده، مورد علاقه و رغبت اوست (ر.ک: موریس، اصلاح رفتار کودکان، بی‌تا: ۸۱؛ حاجی‌ده‌آبادی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، ۱۳۷۷: ۱۶۸).

۳. زمان محرومیت نباید قدری طولانی باشد که یأس مرتبی را به دنبال خود بیاورد. بلکه محروم‌سازی باید به مجرد تصمیم‌وی بر اصلاح خودش از محرومیت دست برداشت.

۴. روش محروم‌سازی باید هنگامی به کار گرفته شود که رفتارها قابلیت چشم‌پوشی و گذشت نداشته باشد (ذبیح‌افشاگر، روش‌های تغییر رفتار در قرآن و علوم تربیتی، ۱۳۹۵: ۲۳۸).

۵. حفظ کرامت و شخصیت مرتبی هنگام محروم‌سازی نباید مورد غفلت واقع شود. در اثر این کار آبرو و عزت مرتبی محفوظ می‌ماند (ر.ک: قائمی‌مقدم، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، ۱۳۸۵: ۱۵۰).

۶. باید اظهار تقبیح فعل مورد توجه قرار بگیرد نه شخصیت مرتبی؛ یعنی عمل نابهنجار مرتبی باید مورد نکوهش باشد و به خود او نمی‌شود گفت که تو انسان بدی هستی! برعکس باید کار او مورد نکوهش قرار بگیرد و به او گفته شود که کار تو کار بدی است. امام باقر (ع) در تربیت صحابه خود از این روش تربیتی بهره برده و کار او را نکوهش کرده است نه خود شخصیت او را (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸: ۲۸۳/۸).



نتیجه

در مقام نتیجه‌گیری، برآیند آنچه در این تحقیق بررسی و تحلیل شد، بدین شرح است: باتوجه به گستردگی تربیت خانوادگی در چهار قلمرو مذکور، این تحقیق متکفل قلمرو «روابط بین زن و شوهر» است. در قلمرو مذکور نیز فقط روش‌های تربیتی مربوط به ساحت کنشی که می‌تواند در روابط زن و شوهر مؤثر واقع شود، از دیدگاه آیات قرآن و احادیث معصومان علیهم‌السلام بررسی و تحلیل شده است. این روش‌های تربیتی براساس ساحت کنشی به روش‌های ابداعی و اصلاحی تقسیم شده، از قرآن کریم استخراج گردیده است.

نوآوری و نظریه‌پردازی این پژوهش، خارج کردن تربیت خانوادگی از محدوده تربیت فرزندان و گسترش دادن آن به قلمروهای دیگر، به‌ویژه قلمرو روابط زن و شوهر است.

براساس کاوشی که در آیات قرآن صورت پذیرفت، به این روش‌های کنشی ابداعی تربیت خانوادگی در امر ارتباط زن و شوهر دسترسی پیدا کرده‌ایم: «روش الگویی» و «روش امر به معروف و نهی از منکر»، همچنین در بخش روش‌های اصلاحی مربوط به بُعد کنشی تربیت خانوادگی در امر ارتباط زن و شوهر «روش تغافل» و «روش محروم‌سازی» از قرآن کریم حاصل شد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان، قم: اسوه، ۱۳۸۳ ش.
۲. آلوسی بغدادی، شهاب‌الدین، تفسیر روح المعانی، بیروت: دار الفکر، ۱۴۱۷ ق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۵. ابن فارس، احمد بن فارس، مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۷. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، قم: مؤسسه اشراق و عرفان، چاپ سوم، ۱۳۹۵ ش.
۸. اکبری فرد، سمیه، تغافل و نقش تربیتی آن، تهران: آثار سبز، ۱۳۹۷ ش.
۹. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۴ ش.
۱۰. امینی، ابراهیم، همسر داری، قم: بوستان کتاب، چاپ سی ام، ۱۳۹۰ ش.
۱۱. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، قم: ام ابیها، چاپ نهم، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران: مدرسه، چاپ سوم، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. بهرام طجری، علی، چشماندازی بر جایگاه و نقش تغافل در فرایند تربیت با نگرشی اسلامی، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۱ ش.
۱۴. بهشتی، محمد و دیگران، آراء دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۱ ش.
۱۵. پسندیده، عباس، کانون جوانمردی، تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری، ۱۳۸۹ ش.
۱۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم: دارالکتاب الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۱۷. جزایری، حمید، روش شناسی تفسیر حقوقی قرآن، رساله دکتری المصطفی ﷺ، ۱۳۹۳ ش.
۱۸. جمعی از نویسندگان، درآمدی بر نظام نامه تربیتی المصطفی ﷺ، قم: المصطفی ﷺ، چاپ دوم، ۱۳۹۷ ش.
۱۹. حاجی ده آبادی، محمد علی، درآمدی بر نظام تربیتی اسلام، قم: مرکز جهانی علوم انسانی، ۱۳۷۷ ش.



۲۰. حسینی بهشتی، محمد، بایدها و نبایدها (امر به معروف و نهی از منکر از دیدگاه قرآن)، تهران: روزنه، چاپ دوم، ۱۳۹۶ ش.
۲۱. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴ ق.
۲۲. داودی، محمد، تربیت اخلاقی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۷ ش.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: دانشگاه تهران: چاپ دوم، ۱۳۷۷ ش.
۲۴. ذبیح افشار، احمد، روش‌های تغییر رفتار در قرآن و علوم تربیتی، رساله دکتری المصطفی ﷺ، ۱۳۹۵ ش.
۲۵. رحیمی غلامرضا، تقی پور، فائزه، اعتباریان اکبر، بازآفرینی مدل تربیت رسانه ای مبتنی بر آموزه های تربیتی قرآن کریم، سال ۴، شماره ۳، ۱۴۰۲ ش.
۲۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، ۱۳۸۷ ش.
۲۷. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الكتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ ق.
۲۸. سید محمدی، یحیی، روان‌شناسی یادگیری، تهران: روان، ۱۳۷۷ ش.
۲۹. سیوطی، جلال الدین، تفسیر الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. صدر، سید محمد باقر، المدرسة القرآنیة، بی جا، دارالکتب الاسلامی، ۱۴۲۴ ق.
۳۱. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم: اسلامی جامعه مدرسن حوزه علمیه، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۳۲. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۳۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران: امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ ش.
۳۴. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، چاپ دوم، ۱۴۰۹ ق.
۳۵. فیاض حسین، ویژگی‌های خانواده سالم در قرآن و دلالت‌های تربیتی آن، رساله دکتری المصطفی ﷺ، ۱۳۹۷ ش.
۳۶. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیر المؤمنین علی (علیه السلام)، ۱۴۰۶ ق.
۳۷. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران: الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ ق.

۳۸. قائمی مقدم، محمدرضا، روش‌های آسیب‌زا در تربیت از منظر تربیت اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ش.
۳۹. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۳ ش.
۴۰. کاشانی، ملافتح الله، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین، تهران: محمدحسن علمی، ۱۳۳۶ ش.
۴۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ ق.
۴۲. محمدی‌ری‌شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، قم: دارالحدیث، چاپ دوم، ۱۳۸۷ ش.
۴۳. مصباح‌یزدی، محمدتقی و دیگران، فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، قم: مدرسه، چاپ دوم، ۱۳۹۱ ش.
۴۴. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، قم: صدرا، چاپ چهارم، ۱۳۹۰ ش.
۴۵. مکارم‌شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: نسل جوان، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۴۶. مکارم‌شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست‌وششم، ۱۳۸۱ ش.
۴۷. منسوب به امام صادق (علیه السلام)، مصباح الشریعه، ترجمه حسن مصطفوی، تهران: حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۶۰ ش.
۴۸. موریس، ریچارد، اصلاح رفتار کودکان، بی‌جا، بی‌تا.
۴۹. موسوی‌کاشمری، مهدی، روش‌های تربیت، قم: بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۹۳ ش.
۵۰. نجفی‌خمینی، محمد جواد، تفسیر آسان، تهران: اسلامیه، ۱۳۹۸ ش.
۵۱. نوری، حسین‌بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسة آل‌البیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ق.
۵۲. واحدی، علی بن احمد، اسباب نزول القرآن، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق.
۵۳. ورعی، جواد، مبانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر، تهران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ دوم، ۱۳۹۵ ش.

References

1. *Quran – e – Karim (The Holy Quran)*, Translation: Hossein Ansarian, Qom: Uswa, 1383 SH (2004 CE).
2. A Group of Authors, *Daramadi bar Nizamname-ye Tarbeyati-ye al-Mustafa (Introduction to the Educational System of al-Mustafa)*, Qom: al-Mustafa, 2nd Edition, 1397 SH (2018 CE).
3. Akbarifarad, Samiyeh, *Taghafol va Nashr Tarrabiti an (Neglect and Its Educational Role)*, Tehran: Asar Sabz Publications, 1397 SH (2018 CE).
4. Alusi Baghdadi, Shahab al-Din, *Tafsir Ruh al-Ma'ani (Interpretation of the Spirit of Meanings)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1417 AH (1996 CE).
5. Amini, Ibrahim, *Hamsardari (Spousal Cooperation)*, Qom: Bustan-e Ketab, 30th Edition, 1390 SH (2011 CE).
6. Amini, Ibrahim, *Islam va Ta'lim va Tarbiyat (Islam and Education)*, Qom: Bustan-e Ketab, 1384 SH (2005 CE).
7. Ansarian, Hossein, *Nizam-e Khanevadeh dar Islam (Family System in Islam)*, Qom: Om Abiha, 9th Edition, 1389 SH (2010 CE).
8. A'rafy, Ali Reza, *Fiqh Tarbeyati (Educational Jurisprudence)*, Qom: Institute of Ishraq and Erfan, 3rd Edition, 1395 SH (2016 CE).
9. Ascribed to Imam Sadiq (AS), *Musbah al-Shariah (The Lamp of Islamic Law)*, Translated by Hassan Mostafavi, Tehran: Hekmat va Falsafeh Iran, 1360 SH (1981 CE).
10. Bahramtajari, Ali, *Cheshmandazi bar Jaygah va Nafsh-e Taghafol dar Ferizand-e Tarbiyat ba Negarei Eslami (An Overview of the Position and Role of Negligence in the Educational Process from an Islamic Perspective)*, Qom: Imam Khomeini Education and Research Institute, 1381 SH (2002 CE).
11. Baqeri, Khusrow, *Negahi Dobare be Tarbiyat-e Eslami (A Re-examination of Islamic Education)*, Tehran: Madreseh, 3rd Edition, 1374 SH (1995 CE).
12. Behehsti, Mohammad et al., *Ara-ye Danishmandan-e Musliman dar Ta'lim va Tarbiyat va Mabani an (Views of Muslim Scholars on Education and Its Foundations)*, Qom: Research Institute of Hawzah and University, 1381 SH (2002 CE).
13. Davoodi, Mohammad, *Tarbiyat Akhlaqi (Moral Education)*, Qom: Research Institute of Hawzah and University, 1387 SH (2008 CE).
14. Dehkhoda, Ali Akbar, *Lughatnameh (Dictionary)*, Tehran: University of Tehran, 2nd Edition, 1377 SH (1998 CE).
15. Farahidi, Khalil bin Ahmad, *Kitab al-Ain (The Book of the Fountain)*, Qom: Hejrat, 2nd Edition, 1409 AH (1988 CE).
16. Fayyaz Kashani, Mohammad Mohsen bin Shah Mortaza, *Al-Wafi*, Esfahan: Kitabkhane Imam Amir al-Mu'minin Ali (AS), 1406 AH (1985 CE).

17. Fayyaz Kashani, Mohammad Mohsen bin Shah Mortaza, *Tafsir al-Safi (The Pure Exegesis)*, Tehran: Sadra, 2nd Edition, 1415 AH (1994 CE).
18. Fiyaz Hosseini, *Vizhegiha-ye Khanevadeh Salam dar Quran va Delalat-haye Tarbiati an (Characteristics of a Healthy Family in the Quran and Its Educational Implications)*, PhD Thesis, 1397 SH (2018 CE).
19. Hajideh Abadi, Mohammad Ali, *Daramadi bar Nizam Tarbiyati-ye Islam (Introduction to the Educational System of Islam)*, Qom: Global Center for Humanities, 1377 SH (1998 CE).
20. Hosseini Bahshti, Mohammad, *Bayad-ha va Nabayad-ha (Amr be Maruf va Nahi az Monkar az Didegah-e Quran) (Dos and Don'ts: Enjoining Good and Forbidding Evil from the Perspective of the Quran)*, Tehran: Rozaneh, 2nd Edition, 1396 SH (2017 CE).
21. Hosseini Zubeidi, Mohammad Murtada, *Taj al-Arus min Jawahir al-Qamus (The Crown of the Bride from the Jewels of the Dictionary)*, Beirut: Dar al-Fikr, 1414 AH (1993 CE).
22. Ibn Babawayh, Muhammad bin Ali, *Man La Yahduru al-Faqih (The Book of Those Whodon't Have Access to a Jurisprudent)*, Qom: Islamic Office Associated with the Society of Seminary Teachers of Qom, 2nd Edition, 1413 AH (1992 CE).
23. Ibn Faris, Ahmad bin Faris, *Mu'jam Maqayis al-Lughah (Dictionary of Language Metrics)*, Qom: Maktab al-I'lam al-Islami, 1404 AH (1983 CE).
24. Ibn Manzur, Muhammad bin Mukarram, *Lisan al-Arab (The Tongue of the Arabs)*, Beirut: Dar al-Fikr, 3rd Edition, 1414 AH (1993 CE).
25. Ibn Shu'bah Harrani, Hassan bin Ali, *Tuhaf al-'Uqul (The Gifts of Intellects)*, Qom: Society of Seminary Teachers, 2nd Edition, 1404 AH (1983 CE).
26. Jazayiri, Hamid, *Roshanfekani-ye Tafsir-e Hoquqi-e Quran (Methodology of Legal Interpretation of the Quran)*, Doctoral Dissertation, 1393 SH (2014 CE).
27. Kashani, Mulla Fathollah, *Tafsir Manhaj al-Sadeqin fi Ilzam al-Mukhalifeen (The Commentary of the Path of the Righteous in Rebuking the Opponents)*, Tehran: Mohammad Hassan Alami, 1336 SH (1957 CE).
28. Majlisi, Mohammad Baqer, *Bihar al-Anwar (The Seas of Lights)*, Beirut: Mo'assese al-Wafa, 1403 AH (1983 CE).
29. Makarem Shirazi, Naser, *Akhlaq dar Quran (Ethics in the Quran)*, Qom: Nasl-e Javan, 2nd Edition, 1382 SH (2003 CE).
30. Makarem Shirazi, Naser, *Tafsir-e Nemouneh (Exemplary Commentary)*, Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyah, 26th Edition, 1381 SH (2002 CE).
31. Mohammadi Rayshahri, Mohammad, *Tahkim Khanevadeh az Negah-e Quran va Hadith (Strengthening the Family from the Perspective of the Quran and Hadith)*, Qom: Dar al-Hadith, 2nd Edition, 1387 SH (2008 CE).
32. Morris, Richard, *Eslah-e Raftar-e Kudakan (Correction of Children's Behavior)*, N.p., n.d.

33. Mesbahi Yazdi, Mohammad Taqi et al., *Falsafe-ye Talim va Tarbiat Eslami (Philosophy of Islamic Education)*, Qom: Madreseh, 2nd Edition, 1391 SH (2012 CE).
34. Motahhari, Morteza, *Majmoah- ye Asar (Collected Works)*, Qom: Sadra, 4th Edition, 1390 SH (2011 CE).
35. Mousavi Kashmori, Mehdi, *Ravesh-haye Tarbiyat (Educational Methods)*, Qom: Bustan-e Ketab, 3rd Edition, 1393 SH (2014 CE).
36. Najafi Khomeini, Mohammad Javad, *Tafsir-e Asan (Easy Commentary)*, Tehran: Eslamiyeh, 1398 SH (2019 CE).
37. Nuri, Hossein bin Mohammad Taqi, *Mustadrak al-Wasail wa Mustanbat al-Masail (Compendium of Means and Extracted Issues)*, Qom: Moassese Al al-Bayt (AS), 1408 AH (1987 CE).
38. Omeed, Hassan, *Farhang Farsi Omeed (Omeed's Persian Dictionary)*, Tehran: Amir Kabir, 5th Edition, 1375 SH (1996 CE).
39. Pasandideh, Abbas, *Kanun-e Javanmardi (Code of Chivalry)*, Tehran: Center for Women and Family Affairs, Presidential Institution, 1389 SH (2010 CE).
40. Qaemi Moqaddam, Mohammad Reza, *Ravesh-haye Asibzah dar Tarbiyat az Manzar-e Tarbiyat-e Eslami (Harmful Methods in Education from the Perspective of Islamic Education)*, Qom: Research Institute of Hawzeh and University, 3rd Edition, 1385 SH (2006 CE).
41. Qara'ati, Mohsen, *Tafsir Noor (Exegesis of Light)*, Tehran: Markazi Farhangi Dars-haye Az Quran, 11th Edition, 1383 SH (2004 CE).
42. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, *Tafsir-e Quran Mehr (Mehr Quran Exegesis)*, Qom: Quranic Studies and Sciences Research, 1387 SH (2008 CE).
43. Sadr, Seyyed Mohammad Baqer, *Al-Madreseh al-Qur'aniyyah (The Quranic School)*, Dar al-Kutub al-Islamiyyah, 1424 AH (2003 CE).
44. Seyyedmohammadi, Yahya, *Ravanshenasi-ye Yadegarai (Psychology of Learning)*, Tehran: Ravān, 1377 SH (1998 CE).
45. Suyuti, Jalal al-Din, *Tafsir al-Durr al-Manthoor fi Tafsir al-Ma'thoor (The Scattered Pearls in the Exegesis of the Authentic)*, Qom: Kitabkhane Ayatollah Marashi Najafi, 1404 AH (1984 CE).
46. Tabarsi, Fazl bin Hassan, *Tafsir Majma al-Bayan fi Tafsir al-Quran (The Compilation of Statements in Quranic Exegesis)*, Tehran: Naser Khosrow, 3rd Edition, 1372 SH (1993 CE).
47. Tabatabai, Seyyed Mohammad Hossein, *Tafsir al-Mizan (The Balance Exegesis)*, Qom: Islamic Jamiat Modarresin Hawzeh Elmieh, 5th Edition, 1417 AH (1997 CE).
48. Tamimi Amodi, Abdul Wahid bin Muhammad, *Ghurur al-Hikam wa Durar al-Kalim (Gems of Wisdom and Pearls of Speech)*, Qom: Dar al-Kitab al-Islami, 2nd Edition, 1410 AH (1989 CE).

49. Varaei, Javad, *Mabani Fiqhi Amr be Maroof va Nahi az Monkar (Jurisprudential Foundations of Enjoining Good and Forbidding Evil)*, Tehran: Research Institute of Hawzeh and University, 2nd Edition, 1395 SH (2016 CE).
50. Wahidi, Ali bin Ahmad, *Asbab Nuzul al-Quran (The Circumstances of Revelation of the Quran)*, Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyah, 1411 AH (1991 CE).
51. Zabih Afshar, Ahmad, *Ravesh-ha-ye Taghyir-e Ravesh dar Quran va Olum-e Tarbiyati (Methods of Behavioral Change in the Quran and Educational Sciences)*, Doctoral Dissertation, 1395 SH (2016 CE).
52. Zamakhshari, Mahmoud bin Omar, *Al-Kashaf an Haqiq Ghawamiz al-Tanzil wa Ayun al-Aqawil fi Wajh al-Tawil (Unveiling the Truths of Revelation Mysteries and the Springs of Interpretations in the Aspects of Interpretation)*, Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi, 3rd Edition, 1407 AH (1987 CE).